روزنامه شهروند
فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال
سردبیر: کسری نوری
نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:
اذان صبح ۰۵:۳۶:۱۵ | طلوع آفتاب ۰۷:۰۶:۰۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۱:۵۶ | اذان مغرب: ۱۷:۱۲:۱۱

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

درنگ کردن هنگام سرگردانی، از توفیق است. **امام علی(ع)**

خونابه هجر

ای آتش سودای تو خون کرده جگرها
بر باد شده در سر سودای تو سرها
در گلشن امید به شاخ شجر من
گل‌ها نشکفند و برآمد نه ثمرها
ای در سر عشاق ز شور تو شغب‌ها
وی در دل زهاد ز سوز تو اثرها
آلوده به خونابه هجر تو روان‌ها
پالوده ز اندیشه وصل تو جگرها
وی مهره امید مرا زخم زمانه
در ششدر عشق تو فرو بسته گذرها
کردم خطر و بر سر کوی تو گذشتم
بسیار کند عاشق ازین گونه خطرها
خاقانی از آنگه که خبر یافت ز عشقت
از بی‌خبری او به جهان رفت خبرها
خاقانی

تقویم تاریخ

مرگ جرج واشینگتن

۲۱۵ سال پیش، برابر با چهاردهم دسامبر ۱۷۹۹ میلادی، جرج واشینگتن، از رهبران انقلاب آمریکا و نخستین رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده بر اثر عفونت گلو درگذشت. واشینگتن سِمَت ریاست‌جمهوری آمریکا را از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۷۹۷ بر عهده داشت. این ۸ سال مصادف است با آخرین سال‌های حکومت زندیه و به قدرت رسیدن قاجارها در ایران. نقش واشینگتن در کسب استقلال برای مستعمرات آمریکایی و سپس متحد کردن آنها زیر پرچم حکومت فدرال ایالات‌متحده قابل توجه است. او از گروهی از مردم مسلح به کمک دولت‌های فرانسه و اسپانیا ارتش بزرگی ساخت که نهایتاً موفق به شکست نیروهای بریتانیایی در جنگ انقلاب آمریکا شدند.

کشف قطب جنوب

۱۰۳ سال پیش، برابر با چهاردهم دسامبر ۱۹۱۱ میلادی، رونالد آموندسن، مکتشف نروژی به قطب جنوب رسید و این بخش از کره زمین را به شکل رسمی کشف کرد. همزمان با آموندسن یک مکتشف انگلیسی به نام رابرت فالکون اسکات و گروهش نیز حرکت به سمت قطب جنوب را آغاز کرده بودند که به‌رغم موفقیت اولیه هنگام بازگشت دچار بوران شدید شده و بر اثر سرما جان باختند.

زادروز ناصر حجازی

۶۵ سال پیش، برابر با بیست و سوم آذر ۱۳۲۸ خورشیدی، ناصر حجازی، دروازه‌بان اول تیم تاج (استقلال) و تیم‌ملی فوتبال ایران در دهه ۵۰ و دومین دروازه‌بان برتر قرن بیستم قاره آسیا در تهران به دنیا آمد. ۲ قهرمانی در جام ملت‌های آسیا، یک قهرمانی در بازی‌های آسیایی و شرکت در المپیک و جام‌جهانی فوتبال از جمله افتخارات ملی او در آن دوران است. حجازی همچنین به همراه تیم تاج (استقلال) قهرمانی در جام تخت جمشید و جام باشگاه‌های آسیا را نیز تجربه کرد. ناصر حجازی روز ۲ خرداد ۱۳۹۰ بر اثر بیماری سرطان ریه در بیمارستان کسری تهران در ۶۲ سالگی درگذشت.

شهروَنگ

اصل برابر کپی!

سوشیانس شجاعی‌فرد
طنزنویس
soshyians.fard@gmail.com

آیا می‌دانید دغدغه ذهنی این روزهای مردم ما چیست؟ مذاکرات؟ گرانی نان؟ سقوط قیمت نفت؟ سخنرانی دکتر اباذری؟ گزارش شکنجه‌های سیا؟ نه آقا، از این خبرها نیست. حالا فکر کرده‌اید اگر اینها دغدغه بود، بنده می‌آمدم راجع به آن چیزی می‌نوشتم؟! به‌نظر من، مهم‌ترین موضوعی که ذهن مردم را مشغول کرده، بحث گوجه‌فرنگی و نارنگی‌هایی است که با مواد سرطانزا رنگ می‌شوند و می‌رسند! اصلا کل بدبختی‌های ما از همین غوره‌هایی هستند که در جای‌جای عرصه مدیریتی ادعای مویز بودن دارند! ما نارنگی رسیده می‌خریم می‌بینیم ترش‌ترش است! خلاصه هر چیزی را که دستمان می‌گیریم، می‌بینیم درواقع یک چیز دیگری است که دستمان است! نه آن چیزی که می‌خواستیم! مثلا آمدیم گوجه‌فرنگی قرمز خریدیم، آن را که شستیم دیدیم گوجه‌سبز است، آمدیم روی گوجه‌سبز و زخممان نمک بپاشیم، دیدیم، این نمک نیست که از بقالی خریدیم، شیشه‌است!

دوباره رفتیم بقالی اهل حال سر کوچه‌مان، یک بطری شیر نیم‌چرب خریدیم، بعدا فهمیدیم این شیر نیست، روغن پالم است که جان می‌دهد برای سیب‌زمینی سرخ کردن! البته با توجه به وجود وایتکس در شیر از آن به‌عنوان پاک‌کننده دستشویی توالت هم می‌شود استفاده کرد! کلسیم هم دارد برای توالت خوب است! حالا گفتم سیب‌زمینی یادم آمد که چندسال پیش رفتیم سیب‌زمینی بخریم، پوستش را کندیم، دیدیم تبلیغات انتخاباتی است! بعدا تلافی کرد، او پوست ما را کند!

رفتیم ۱۸ میلیون تومان دادیم ماشین خریدیم، دیدیم درواقع یک فقره فرقون است که شیشه بالابر برقی و فرمان هیدرولیک دارد. حوصله‌مان سر رفته بود، گفتیم مثل بقیه جوان‌ها که حوصله‌شان سر می‌رود برویم قلیان بکشیم، فهمیدیم داریم سرطان می‌کشیم، سرطان دوسیب، سرطان بلوبری، سرطان لیمونعناع! که البته توصیه بنده به شما سرطان پرتقال خامه است! البته جدیدا یکسری سرطان‌های سوئیسی هم به بازار آمده که ما را متوجه کرد که سوئیسی‌ها هم قلیان می‌کشند!

از همان میوه‌فروشی معروف نارمک که گوجه ارزان می‌فروخت رفتیم انار خریدیم، آمدیم دیدیم ذرت را رنگ کرده‌اند جای انار انداخته‌اند بهمون!

خواستیم سپندارمذ را جشن بگیریم، باز کردیم دیدیم ولنتاین است، تا آمدیم به خودمان بجنبیم ما را سوار ون کردند، کافی‌شاپ هم پلمب شد رفت پی کارش!

یک بار هم ۳۰۰ تومان دادیم بابت ماهواره، روشن کردیم دیدیم پارازیت خریدیم که کمی هم شبکه‌های ایرانی ازش آویزان است! برنامه‌های تلویزیون ایران هم کلا همان وضع معلق جامعه ایران را دارد مابین سنت و مدرنیته! هر کانالی را زدیم که کمی آگاه شویم، بعد از ۱۰ دقیقه سیاه شده بودیم و مقداری روغن روی سر و صورتمان بود، کمی هم برنج هندی و مقداری پشمک!

گفتیم خب حداقل برویم کتاب بخریم، کتاب‌ها را که باز کردیم چندتایی استاتوس فیس‌بوک ازش ریخت، کمی هم فال قهوه!

کلافه شدم، گفتم چاره کارم موسیقی است. رفتم یک سی‌دی شجریان بخرم، گذاشتم توی دستگاه، دیدم مرتضی پاشایی است! دیگر طاقتم تمام شد رفتم سم سوسک بخرم بخورم، آن هم چینی بود، زنگ زدند اورژانس آمد، ما را که داخل آمبولانس گذاشتند دیدیم آمبولانس چی‌اش پوریا عالمی است و این هم آمبولانس نیست و خلاصه مرامی ما را بردند بیمارستان، داخل که رفتیم دیدم همچین بیمارستان هم نیست، واحد بازرگانی و بازاریابی سازمان قبرستان‌هاست!

نگاه

خون، اشک، فوتبال

مرتضی یاسری‌نیا
روزنامه‌نگار

چرچیل، مرد حرف‌های بی‌منطق نبود: «پایه‌های امپراتوری انگلیس روی فوتبال بنا شده است.» پایه‌های یک امپراتوری که روزگاری آفتاب در مستعمراتش غروب نمی‌کرد، روی فوتبال بنا شده؛ از همان روزی که کارگران منچستر- شهر کارگری و پیشرو در انقلاب صنعتی- با احداث مجهزترین اسکله انگلیس، مسیر کشتی‌های صنعتی و توریستی را از بندر لیورپول به شهر منچستر منحرف کردند و به دشمنی دو خرده فرهنگ «کاکنی» و «اسکاسر» شدت بیشتری بخشیدند. با تأسیس ۲ تیم فوتبال منچستر یونایتد در سال ۱۸۷۸ و لیورپول در سال ۱۸۹۲، فریاد دشمنی و تفاوت فرهنگی ۲ شهر که به هر دلیلی از حنجره سیاست، توان خروج نداشت در فوتبال، روی چمن سبز، همان جایی که به قول چرچیل، پایه‌های امپراتوری بریتانیا بود، سر داده شد. در جریان اعتصاب‌های کارگری در انگلیس، سرود ضدسلطنتی «با من تاب بیاور» ابتدا در جایگاه‌های ورزشگاه آنفیلد (استادیوم لیورپول) و اولدترافورد (ورزشگاه منچستر یونایتد) به گوش رسید. زمان گذشت و سهم لیورپول و منچستر یونایتد در جامعه انگلیس چیزی بیش از نقش آفرینی در دعواهای سیاسی شد. بندر لیورپول با بیتلز و جان لنونی که دل در گرو باشگاه قرمزپوش داشت، نقش فرهنگی خود را به لطف تیم افتخارآفرین شهر در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، فریاد زد؛ چه در سطحی‌ترین شکل ممکن با ارایه الگو سبیل‌های پرپشت بازیکنان تیم و همه‌گیر کردن تیپی خاص و چه در عمیق‌ترین لایه‌ها با تبدیل کردن شهر به پایتخت فرهنگی اروپا. در این بین همسایه شمالی لیورپول، همیشه آن سبیل‌ها و غوغای بیتلز برای بندر نشینان راهجمه‌ای تبلیغاتی برای سرپوش گذاشتن بر عقب‌ماندگی شهر لیورپول قلمداد می‌کرد. از نظر آن‌ها، فوتبال و منچستر یونایتد اصلی‌ترین فاکتور برای اثبات برتری خرده فرهنگ کاکنی است. شاید فقط این جا و در این رقابت فوتبالی، تأثیر توپ گرد بر معادلات فرهنگی- اقتصادی- سیاسی شهر، رخ می‌نماید. با فوتبال و هر نبرد لیورپول- منچستر یونایتد، عقده‌های غیرفوتبالی دو شهر استراتژیک شمال انگلیس، عریان و عریان‌تر می‌شود؛ آن جا که لیورپولی‌ها فقط در جریان یک بازی ساده فوتبال جرأت دارند بنر «ما اسکاسر هستیم، نه شهری در انگیس» را به اهتزار در بیاورند و کمی آن طرف‌تر شعار «کشور منچستر» را بشنوند! وقتی لیورپولی‌ها در بخشی از سرود باشگاه‌شان، عبارت «آمده بودند با پادشاه و کشورشان مبارزه کنند» را رخ به رخ منچستری‌ها می‌خوانند، طرفداران تیم مقابل با شعارهای عمدتا کاتولیکی، تفاوت‌هایش در یک کشور پروتستان زده را به رخ می‌کشند. اگر در اسپانیا، ایتالیا و سایر کشورهای دارای فوتبال پیشرفته، این ورزش ادامه دشمنی‌های بیرونی است و حکم نمک روی زخم را دارد در انگلیس و به‌خصوص در ۲ شهر منچستر و لیورپول، فوتبال- این بنای امپراتوری آنگلوساکسون‌ها- شروع کننده دشمنی‌ها و تفاوت‌هاست. وقتی از ساعت ۱۷ امروز، در ورزشگاه تخریب شده به دست نازی‌ها (اولدترافورد)، قسمت اول بزرگترین نبرد هر فصل فوتبال انگلیس توسط لیورپول و منچستر یونایتد به نمایش درآید، بار دیگر این جمله بیل شانکلی، یکی از بزرگترین مربیان تاریخ باشگاه لیورپول در گوش زمان خواهد پیچید که: «فوتبال، مسأله مرگ و زندگی نیست، چیزی فراتر از آن است.»

فوکوس ...

راج کاپور در صحنه‌ای از فیلم «اسم من دلقک» (MeraNaamJoker- ۱۹۷۰)

۹۰ سال پیش، برابر با چهاردهم دسامبر ۱۹۲۴ میلادی، راج کاپور، بزرگ‌ترین ستاره سینمای هند در شهر پیشاور به دنیا آمد. او در رأی‌گیری سال ۱۹۷۴ برای انتخاب بزرگ‌ترین شهروند هندی پس از استقلال، بعد از جواهر لعل نهرو مقام دوم را به‌دست آورد.

محمدرضا ثقفی | کارتونیست | sunysaghafi@yahoo.com

کارتون شهر

محمد نهاوندیان (رئیس دفتر رئیس‌جمهور):
کوچک کردن دولت، راهی برای مبارزه با فساد است

قبل از کوچک شدن

بعد از کوچک شدن

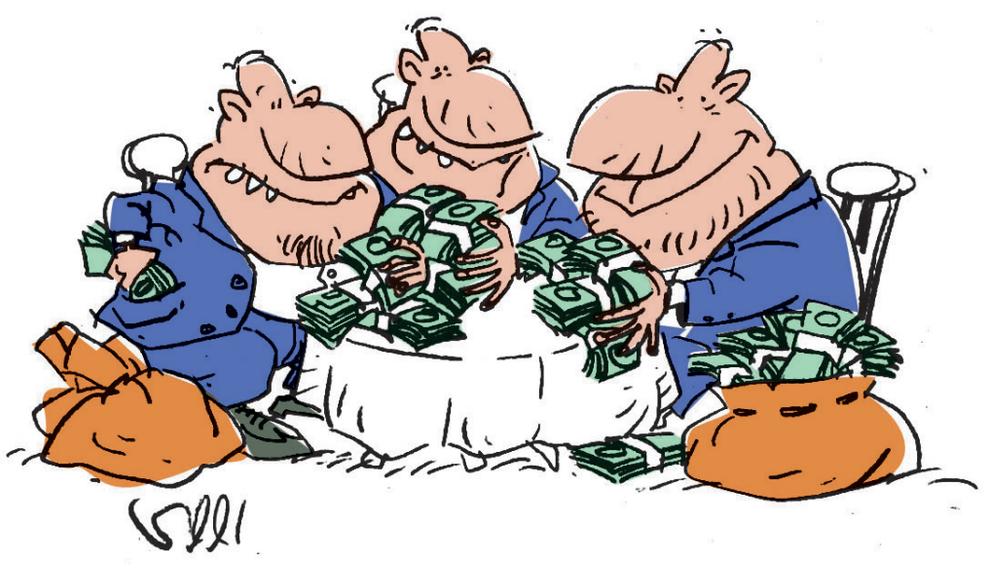

حرف روز

من دیگر از راه خانه به خانه نمی‌روم

عبدالرسول وصال
مدیرمسئول

من راه خانه خودم را خیلی دوست داشتم. فاصله خانه تا محل کارم کمی بیشتر از شش کیلومتر بود. صبح‌ها از بلوار کمالی تا میدان صادقیه یا به قول قدیمی‌های تهران، میدان دوم آریاشهر تفریح کنان پشت فرمان طی مدت ۲۰ دقیقه رانندگی با سه چراغ خطر کم‌خطر به محل کار می‌رسیدم و شب‌ها چون مسیر برگشت اشرفی اصفهانی ترافیک بدقواره‌ای داشت از مسیر ستاری به خانه برمی‌گشتم. فاصله محل کار تا خانه از مسیر ستاری بیش از ۹ کیلومتر بود. در آن ساعت شب یعنی حدود ۸ الی ۹، مدت ۲۰ دقیقه طول می‌کشید تا به خانه برسم. محمدعلی جناح جنوب را طی می‌کردم تا به اتوبان تهران_کرج می‌رسیدم و از خروجی اول به طرف ستاری رانندگی می‌کردم. وقتی به طرف شمال حرکت می‌کردم ترافیک روان بود. چراغ‌های دامنه تپه‌های پونک سوسو می‌کرد. هرچه به جلو می‌رفتم نور چراغ‌ها بیشتر و امید من به رسیدن به خانه بیشتر می‌شد. شکایتی نداشتم. وقتی به خانه می‌رسیدم حس و حال خوبی از کار روزانه‌ام داشتم اما مدتی است اوضاع به هم ریخته است و دیگر نمی‌توانم از راه همیشگی به خانه برگردم. در حدفاصل محل کار تا خانه ما درست بین بلوار ستاری تا همت، فروشگاهی بزرگ به‌نام کوروش افتتاح شده است که نه‌تنها راه مرا تغییر داده بلکه شیوه و سبک زندگی محله‌های اطرافش را دچار دگرگونی کرده است. این غول خفته مدت کوتاهی است بیدار شده و تاریخ و شیوه زندگی منطقه پنج تهران و محله اطراف خود را دچار ناآرامی، تلاطم و سردرگمی کرده است. این مجتمع عظیم تجاری درست کنار خیابانی است که بزرگراه محسوب می‌شود و درست در همان ساعتی که پر رفت و آمد است محل تردد مشتریان است و جالب آن که این مجتمع عظیم دارای پارکینگی است که دسترسی به آن فاقد تعریف مشخص است. رسیدن به ورودی پارکینگ فروشگاه مستلزم عبور از میان کوچه‌های پیچ‌درپیچ توأم با سلب آسایش ساکنان خانه‌های اطراف است. از ساعت ۵ بعدازظهر ترافیک خیابان ستاری در حدفاصل فردوس تا همت محلی که این غول مردم‌آزار قرار گرفته به شدت دچار سنگینی نفس و اتلاف ثروت‌های مردم است. اتومبیل‌های این مسیر که تعداد آنها کم نیست، سوخت ارزان می‌سوزانند و ساعت‌ها وقت تلف می‌کنند تا سود مناسب عاید سازندگان این مجتمع عظیم شود. برندهای مختلف غربی در این مجتمع درحال ارزش‌آفرینی هستند. ارزش‌های جهادی به‌وسیله مشتریان این برندها آفریده می‌شود تا شعارهای جهادی تحقق یابد. راستی اگر میزان هزینه و مالیاتی که از طریق ساخت این مجتمع نصیب شهروندان می‌شود در یک کفه و از طرفی هزینه سوخت اتومبیل شهروندان به دلیل توقف ترافیکی و هدررفتن وقت مردم در کفه دیگر ترازو قرار گیرد معلوم می‌شود زیانکار اصلی طی سالیان متمادی مردم خواهند بود.

من هیچ‌وقت دیگر نمی‌توانم از راه همیشگی به خانه برگردم

اینک از راهی دورتر یعنی حدود ۱۳ کیلومتر بیشتر طی می‌کنم تا به خانه برگردم و دیگر چراغ‌های تپه‌های پونک را نمی‌بینم که هرچه به آن نزدیک می‌شدم امید به خانه برگشتن در دلم زنده‌تر می‌شد. این شب‌ها دیگر از آن خاطرات خبری ندارم و احساس می‌کنم راه خانه‌ام را به دیگری فروخته‌اند یا جویندگان ثروت، راه خانه مرا تاراج کرده‌اند. راستی چه کسانی شهر را می‌فروشند و چه کسانی مشتریان شهر هستند و این خرید و فروش در کدام بنگاه صورت می‌پذیرد؟ آیا کسی خود را مسئول می‌داند که به یک سوال از هزاران سوالی پاسخ دهد که هر روز در ذهن ما خطور می‌کند؟ مثلا می‌توانند پاسخ دهند که هر متر مربع خیابان ستاری در منطقه پنج تهران چند تومان است؟! او آیا خرید و فروش آن مباح است و فروشنده کیست و خریدار چه کسی است؟

آب و هوا

اراک ۳	اردبیل -۱	ارومیه -۲	اصفهان ۳	اهواز ۱۳	ایلام ۲	بجنورد -۴	بندرعباس ۲۰
بوشهر ۱۹	بیرجند ۴	تبریز ۰	تهران ۶	خرم‌آباد ۳	زاهدان ۱۲	زنجان ۲	سنندج ۲
شهرکرد -۴	قزوین ۲	کرمانشاه ۴	کرمان ۱۳	گرگان ۴	رشت ۳	ساری ۵	کرج -۱
شیراز ۵	سمنان ۷	همدان ۲	قم ۳	مشهد -۲	یاسوج ۳	یزد ۳	ابوموسی ۲۴

...بارش برف و باران در راه است

بر اساس نقشه‌های پیش‌یابی، برای امروز در سواحل دریای خزر و استان اردبیل، افزایش دما و وزش باد جنوبی پیش‌بینی می‌شود. همچنین با ورود یک سامانه بارشی در شمال غرب و غرب کشور بارش باران و در مناطق سردسیر و مرتفع بارش برف، گاهی با وزش باد شروع می‌شود.

امروز بارش‌ها در شمال غرب و بخش‌هایی از غرب کشور تشدید می‌شود. روز دوشنبه دامنه فعالیت سامانه علاوه بر شمال غرب و غرب، مناطقی از جنوب غرب، استان‌های واقع در دامنه‌های مرکزی زاگرس، دامنه‌های غربی البرز و سواحل غربی دریای خزر را در بر می‌گیرد. این وضعیت تا اواسط وقت روز سه شنبه در مناطق ذکر شده ادامه خواهد داشت. از بعد از ظهر روز سه شنبه در شمال غرب و غرب و به تدریج جنوب غرب کشور از مقدار ابرها کاسته می‌شود و گستره بارش‌ها به دامنه‌های مرکزی البرز، سواحل شمالی و بخش‌هایی از مرکز و شمال شرق نیز می‌رسد. آسمان تهران امروز نیمه ابری در پاره‌ای نقاط با وزش باد، در اواخر وقت ابری با احتمال بارش همراه خواهد بود و حداقل و حداکثر دما در این روز به ۶ و ۱۴ درجه سانتیگراد خواهد رسید.

در شبانه روز گذشته بندرعباس مرکز استان هرمزگان با بیشینه دمای ۲۹ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای منفی ۴ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند. طی روزهای گذشته استان چهارمحال‌وبختیاری، سردترین و استان‌های هرمزگان و خوزستان گرم‌ترین استان‌های ایران بوده‌اند.